



# اصول فقه ۳ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۱۹

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای یوسف رستماني

## مقدمه

بحث ما در بیان ادله‌ای بود که ادعا شده دلالت بر حجیت خبر واحد دارند. در درس‌های پیشین، آیاتی که می‌توانست بر حجیت خبر واحد دلالت کند همچون آیه نبأ، آیه نفر، آیه کتمان و آیه سؤال، به همراه اشکالاتی که به دلالت آنها وارد شد بیان گردید. از آنجا که دلالت این آیات بر حجیت خبر واحد تمام نیست، بررسی بخش دوم ادله یعنی سنت، اهمیت فراوانی پیدا می‌کند. از سوی دیگر برای اثبات حجیت خبر واحد نمی‌توان از خبر واحد کمک گرفت چون با محذور دور مواجه می‌شود.

در این درس نحوه اثبات حجیت خبر واحد از طریق سنت را مورد بررسی قرار خواهیم داد. بر دانش‌پژوه، بایسته است که برای فهم بهتر محتوای این درس، بحث تواتر و سیره و اقسام آنها را مورد مطالعه قرار دهد.

## متن درس

[أدلة حجية خبر الواحد: و قد استدللّ على الحجية بالكتاب و السنة. أمّا الكتاب الكريم فبآيات: ...]  
و أمّا السنة فلا بدّ لكى يصحّ الاستدلال بها فى المقام أن تكون ثابتةً بوسيلةٍ من وسائل الإحراز الوجدانى، و لا يكفى ثبوتها بخبر الواحد؛ لئلا يلزم الدور. و هنا وسيلتان للإحراز الوجدانى:  
إحدهما: التواتر فى الروايات الدالة على حجية خبر الواحد.  
والاخرى: السيرة.

أمّا الوسيلة الاولى فتقريب الاستدلال بها: أن حجية خبر الواحد يمكن اقتناصها من السنة روايات كثيرة تشترك جميعاً فى إفادة هذا المعنى وإن اختلفت مضامينها، وبذلك يحصل التواتر الإجمالى، ويثبت بالتواتر حجية خبر الواحد الواجد من المزاي لما يجعله مشمولاً لمجموع تلك الروايات المكوّنة للتواتر، فإذا اتفق وجود خبرٍ من هذا القبيل يدلّ على حجية خبر الواحد فى دائرةٍ أوسعٍ اخذ به.

وأمّا الوسيلة الثانية فتقريب الاستدلال بها يشتمل على الامور التالية:

أولاً: إثبات السيرة، وأنّ المتشرعة والرواة فى عصر الأئمة كانوا يعملون بأخبار الثقات ولو لم تُفدّهم الاطمئنان الشخصى، وفى هذا المجال يمكن استعمال الطريق الثالث من طرق إثبات السيرة المتقدمة؛ وذلك لتوفّر شروطه، فإنه لا شكّ فى وجود عدد كبيرٍ من هذه الروايات بأيدى المتشرعة المعاصرين للأئمة ودخول حكمها فى محلّ ابتلائهم على أوسع نطاق، فإمّا أن يكونوا قد انعقدت سيرتهم على العمل بها من أجل تلقى ذلك من الشارع، أو جرياً على سجيّتهم، وإمّا أن يكونوا قد توقّفوا عن العمل بها.

والأول هو المطلوب، إذ تثبت بذلك السيرة الممتدة فى تطبيقها إلى المجال الشرعى.

وأمّا الثانى فليس من المحتمل أن يؤدّى توقّفهم إلى طرح تلك الروايات جميعاً بدون استعمال الحكم الشرعىّ تجاهها؛ لأنّ ارتكاز الاعتماد على أخبار الثقات و كون طرح خبر الثقة على خلاف السجية العقلية يحول عادةً دون التوافق على الطرح بلا استعمال.

## اثبات حجیت خبر واحد از راه سنت

بحث ما در حجیت اخبار آحاد می‌باشد. در این باره، به آیاتی چند از قرآن کریم استدلال نمودیم و اکنون می‌خواهیم وارد سنت شویم. نکته‌ای که می‌بایست قبل از بیان این ادله مد نظر قرار داد، این است که اگر می‌خواهیم حجیت خبر واحد را از راه سنت استفاده کنیم، نباید خود این سنت به خبر واحد ثابت شده باشد؛ وگرنه دور لازم می‌آید بلکه باید از وسائل اثبات وجدانی که مفید قطع به واقع یا اطمینان می‌باشند، مثل تواتر یا سیره، بهره بگیریم. بنابراین ما در این قسمت، در صددیم تا یک سنت قطعی را که بتواند از راه حساب احتمالات، حجیت اخبار آحاد را ثابت کند یا نهایتاً سنتی را که مفید اطمینان باشد بیابیم.

### وسیله اول: تواتر<sup>۱</sup>

ما روایاتی که از حیث معنا مشابه یکدیگر باشند و صریحاً حجیت خبر واحد را به شکل متواتر اثبات کنند، نداریم. اما انبوهی از روایات را می‌بینیم که از حیث تعداد متواترند. اگر چه مشتمل بر معنای واحدی نیستند، ولی می‌توان از این روایات، یک مدلول مشترکی را که قدر متیقن بین آنها است استفاده کرد. این مدلول مشترک، عبارت است از حجیت خبر واحدی که واجد چندین خصوصیت مثل ثقه بودن، عادل بودن، امامی بودن، ضابط بودن و... باشد. می‌توان گفت که حجیت چنین خبری با این اوصافی که برشمردیم از لابه‌لای انبوه روایات، قابل رؤیت است؛ به این شکل که مثلاً یک روایت فقط بر حجیت خبر ثقه دلالت می‌کند و روایت دیگر، فقط بر حجیت خبر امامی دلالت می‌کند؛ بنابراین نمی‌توان گفت وجود هر یک از این اوصاف، به تنهایی کافی است، بلکه آنچه که بین این روایاتی که به حد تواتر می‌رسد دیده می‌شود، این است که خبر واحدی حجت است که تمام این مزایا و ویژگی‌ها را دارا باشد و اگر خبری با این ویژگی‌های نسبتاً سخت‌گیرانه یافت شد، به حکم این اخبار متواتر، حجت است. حال سؤال اینجاست که چگونه می‌توان چنین روایاتی را در سطحی که مورد نیاز ماست، بیابیم؟ پاسخ این است که وقتی در مرحله نخست، حجیت یک خبر با اوصاف مذکور مثل وثاقت و عدالت و... اثبات شد، می‌توان از آن حجیت حداقلی که از اخبار متواتر به دست آمد، دست برداشته و از حجیت حداقلی به یک حجیت حداکثری رسید و به این طریق، دایره حجیت را توسعه داد؛ در نتیجه اگر خبری یافت شد که تمام شرایط را با هم ندارد، بلکه مثلاً راوی آن فقط ثقه است و شرائطی مثل عدالت و امامی بودن را ندارد، حجت خواهد بود.

۱. از جمله اقسام روایات نقل شده از معصومین (ع) خبر متواتر است و به معنای اخبار جماعتی است که عادتاً توافق و تبانی آنها بر کذب محال باشد، به همین دلیل، یقین‌آور بوده و حجیت آن قطعی است. خبر متواتر، به متواتر لفظی، معنوی و اجمالی تقسیم می‌شود. به خبری متواتر لفظی گفته می‌شود که لفظ یا الفاظ معین آن، در حد تواتر، نقل شده باشد، مانند حدیث ثقلین و حدیث غدیر. در متواتر معنوی، خبر با الفاظی مختلف نقل شده، لیکن مضمون و معنای مطابقی یا التزامی همه آنها یکی است. متواتر اجمالی نیز به خبری اطلاق می‌شود که با الفاظ و مضامینی گوناگون که در محدوده دلالتشان متفاوت اند، نقل شده باشد؛ به گونه‌ای که از مجموع نقل‌ها علم اجمالی به صدور بعضی از الفاظ از معصوم (ع) حاصل شود، مانند آنکه مضمون یک روایت، حجیت خبر مؤمن، مضمون روایتی دیگر، حجیت خبر ثقه و مضمون روایت سوم حجیت خبر عادل باشد. از مجموع این سه مضمون، علم به حجیت خبر ثقه به جهت قدر متیقن بودن آن به دست می‌آید.

پس خلاصه کلام این است که برای اثبات مطلوب از راه تواتر، می‌توان در دو مرحله کار را پیش برد؛ در مرحله اول، به حداقل‌ها اکتفا می‌کنیم تا بتوانیم قدر مشترکی بین اخبار متواتر بیابیم. مثلاً حجیت خبر عادل ضابط را اثبات می‌کنیم و در مرحله دوم، دایره حجیت را توسعه داده و حجیت خبر واحد را در یک دایره وسیع‌تری اثبات می‌کنیم؛ به این طریق که مثلاً خبری می‌یابیم که واجد تمام شرائط است و این خبر می‌گوید: «خبر الثقة حجة يجب الاعتماد علیه» اینجاست که از راه آن خبر واجد تمام شرائط، حجیت این خبر فاقد شرائط ثابت می‌شود و از این راه، حجیت هر خبری که از ثقات رسیده باشد، ثابت می‌گردد.

### تطبيق

و أمّا السنّة فلا بدّ لکی یصحّ الاستدلال بها فی المقام أن تكون ثابتةً بوسيلةٍ من وسائل الإحراز الوجدانی، و لا یکنفی ثبوتها بخبر الواحد؛ لئلاّ یلزم الدور.

و اما بخش سنت، پس ناگزیریم برای آنکه استدلال به سنت در مقام اثبات حجیت خبر واحد صحیح باشد، از اینکه سنت به وسیله یکی از ابزارهای اثبات وجدانی ثابت گردد و ثبوت سنت به خبر واحد کافی نیست تا مبدا دور لازم بیاید (چون اگر بخواهیم خبر واحد را دلیل بر خبر واحد بگیریم، دور لازم می‌آید).

و هنا وسیلتان للإحراز الوجدانی:

إحدهما: التواتر فی الروایات الدالة علی حجّية خبر الواحد.

والاخری: السيرة.

و در این مسئله، دو وسیله و ابزار برای احراز وجدانی سنتی که دال بر حجیت خبر واحد باشد وجود دارد: یکی از این دو وسیله، تواتر در روایاتی است که بر حجیت خبر واحد دلالت می‌کند. و راه دوم هم سیره است (اعم از سیره عقلائی و متشرعه که در وقت خود توضیح خواهیم داد).

أمّا الوسيلة الاولى فتقريب الاستدلال بها: أن حجّية خبر الواحد یمكن اقتناصها<sup>۱</sup> من ألسنة روايات كثيرةٍ تشترك جميعاً فی إفادة هذا المعنى<sup>۲</sup>

اما وسیله نخست (یعنی تواتر) پس تقریب استدلال به این وسیله این است که می‌توان حجیت خبر واحد را از آلسنة روایات بسیاری که همه آنها در افاده معنای حجیت خبر واحد مشترک‌اند به‌دست آورد.

وإن اختلفت مضامینها، و بذلک یحصل التواتر الإجمالي،

اگرچه مضامین این روایات مختلف است (و معنای واحدی ندارند، اما در تمام اینها یک مدلول مشترک وجود دارد) بر همین اساس، تواتر اجمالی حاصل می‌شود.<sup>۳</sup>

و یثبت بالتواتر حجّية خبر الواحد الواحد من<sup>۱</sup> المزايا لما یجعله<sup>۲</sup> مشمولاً<sup>۳</sup> لمجموع تلك الروایات المكوّنة<sup>۴</sup> للتواتر،

۱. مرجع ضمیر: حجیت.

۲. یعنی: حجیت اجمالی خبر واحد.

۳. مصنف در حلقه ثالثه، ده طائفه از این روایات را معرفی نموده است که نشان می‌دهد هر چند این روایات از حیث معنا متفاوت‌اند، ولی در این مسئله یعنی حجیت خبر واحد مشترک‌اند.

و به وسیله تواتر، حجیت خبر واحدی که واجد است آن مزایایی را که قرار می‌دهد خبر واحد را مشمول همه آن روایاتی که تشکیل‌دهنده تواترند ثابت می‌شود.

فإذا اتفق وجود خبر من هذا القبيل يدلّ على حجّة خبر الواحد في دائرة أوسع أخذ به.

(مرحله دوم استدلال) اگر وجود خبری از این قبیل (که واجد تمام مزایایی باشد که آن را مشمول تمام اخبار شکل‌دهنده تواتر قرار می‌دهد) که دلالت بر حجیت خبر واحد در یک دایره وسیع‌تری نماید اتفاق افتاد، به آن أخذ می‌شود.

SCO۱: ۱۷:۲۷

## وسيله دوم: سیره<sup>۵</sup>

مصنف می‌فرماید برای آنکه سیره بتواند حجیت خبر واحد را اثبات کند، باید چهار امر در آن احراز شود.

### امر اول: معاصرت سیره با عصر معصوم

نخستین مطلبی که ایشان در باب سیره قائم بر حجیت خبر واحد بیان می‌کنند این است که باید معاصرت سیره عمل به خبر واحد را در زمان معصوم (ع) اثبات کنیم؛ یعنی باید ثابت کنیم که متشرعین دوران معصوم (ع) هم به خبر ثقه عمل می‌نمودند؛ هر چند این اخبار برای آنان مفید اطمینان شخصی نبود.

ما در درس‌های پیشین، برای اثبات معاصرت یک سیره با عصر معصوم (ع)، پنج راه بیان داشتیم که البته راه نخست، مورد مناقشه قرار گرفت و چهار راه باقی ماند. مصنف از میان این چند راه، راه سوم را پیشنهاد می‌دهد و از این راه، می‌خواهد اثبات کند که در عصر معصوم (ع) هم متشرعین به خبر واحد عمل می‌نمودند و احکام شرع را از اخبار آحاد می‌گرفتند.

راه سوم مشتمل بر پنج شرط بود که باید تمام این شروط فراهم می‌شد تا معاصرت اثبات شود؛ بنابراین باید ملاحظه کرد که آیا این پنج شرط، در محل بحث ما وجود دارد یا ندارد؟

نخستین شرط از میان این پنج شرط، معاصرت سیره با عصر معصوم (ع) است که شهید صدر برای احراز این شرط می‌فرماید: ما شکی نداریم که تعداد بسیاری از اخبار آحاد، در دست متشرعین معاصر با ائمه (ع) وجود

۱. من: بیانیه؛ بیان «لما يجعله» که مؤخر شده است.

۲. لام برای تقویت و ما مفعول «الواجد» محسوب می‌شود. مرجع ضمیر فاعلی: ما و مرجع ضمیر مفعولی: خبر واحد.

۳. مفعول دوم «يجعل».

۴. صفت «الروایات».

۵. سیره عبارت است از تداوم و استمرار روش عملی مردم یا جمعی از آنان بر انجام دادن یا ترک کاری. از سیره، در اصول فقه به عنوان یکی از راه‌های دستیابی به حکم شرعی سخن گفته‌اند. سیره، بر دو نوع است:

الف) سیره عقلا: که از آن به بنای عقلا نیز تعبیر می‌شود و منظور از آن، روش عملی عقلای هر ملیت و مذهبی است. سیره عقلا به تنهایی حجت و دلیل بر حکم شرعی نیست، مگر در صورت تأیید و موافقت شارع مقدس با مفاد آن.

ب) سیره متشرعان: که مراد از آن، روش عملی گروهی از مردم، از آن جهت که مسلمان و یا شیعه دوازده‌امامی‌اند، می‌باشد. سیره متشرعه اگر در زمان معصوم (ع) نیز جریان داشته باشد و آن حضرت بدان عمل نموده و یا آن را تقریر و تأیید کرده باشد، حجت است؛ اما سیره‌ای که علم به جریان آن در زمان ائمه (ع) وجود ندارد و یا علم به جریان آن پس از دوران آنان وجود دارد، حجت نیست.

داشته و حکمی که در این اخبار آحاد وجود داشت، مورد ابتلاء متشرعین بوده است. متشرعین زمان معصوم (ع)، یکی از بهترین و راحت‌ترین و مرسوم‌ترین راه‌هایی که برای کشف احکام شرع داشتند، همین عمل به اخبار آحاد بوده است. با این بیان، نخستین شرط برای دلیل سیره را به دست آوردیم که عبارت است از اینکه در زمان معصوم (ع)، حجیت خبر واحد، مورد ابتلاء متشرعین بوده است.

FG

۱. تواتر روایات داله بر حجیت خبر واحد  
وسائل احراز سنت دال بر حجیت خبر واحد  
۲. سیره

### تطبیق

وَأَمَّا الْوَسِيلَةُ الثَّانِيَّةُ فَتَقْرِيبُ الْإِسْتِدْلَالِ بِهَا يَشْتَمِلُ عَلَى الْأُمُورِ التَّالِيَةِ:

أَوَّلًا: إثبات السيرة، وَأَنَّ الْمُتَشَرَّعَةَ وَالرَّوَاةَ فِي عَصْرِ الْأُئِمَّةِ كَانُوا يَعْمَلُونَ بِأَخْبَارِ الثَّقَاتِ وَلَوْ لَمْ تُقَدِّمُوا الْإِطْمِئْنَانِ الشَّخْصِيَّ،

اما وسیله دوم (که عبارت از سیره باشد) تقریب استدلال به آن مشتمل بر اموری است که خواهد آمد:  
اولاً: اثبات سیره (بهتر این بود که بفرماید اثبات معاصرت سیره) و اینکه متشرعین و روات در عصر ائمه به اخبار ثقات عمل می‌نمودند؛ هر چند این اخبار ثقات، برای آنها اطمینان شخصی را افاده نکند.

وفي هذا المجال يمكن استعمال الطريق الثالث من طرق إثبات السيرة المتقدمة؛ وذلك لتوفر شروطه،  
در این زمینه (اثبات معاصرت سیره با عصر معصوم) می‌توان راه سوم را از میان راه‌های اثبات سیره که قبلاً گذشت به کار برد و این امکان استعمال راه سوم به علت فراهم بودن شروط آن است.

فإنَّه لا شكَّ في وجود عدد كبيرٍ من هذه الروايات بأیدی<sup>۲</sup> المتشرَّعة المعاصرين للأئمة و دخول<sup>۳</sup> حکمها فی محلَّ ابتلائهم علی أوسع نطاق،

(بیان شرط نخست) شکی نیست که تعداد بسیاری از این روایات و اخبار ثقات (که مفید قطع و اطمینان شخصی نیستند) در دست‌های متشرعین معاصر ائمه (ع) وجود داشت و شکی نیست در داخل شدن حکم این روایات و اخبار ثقات، در محل ابتلای متشرعین معاصر در یک دایره وسیع.

SCO۲ : ۲۸:۰۴

۱. مرجع ضمیر فاعلی: اخبار ثقات..

۲. متعلّق: وجود.

۳. معطوف علیه: وجود.

## نحوه برخورد معاصرین ائمه با اخبار ثقات

گفته شد که مصنف برای اثبات معاصرت سیره با عصر معصوم (ع)، راه سوم از راه‌هایی که قبلاً برای اثبات معاصرت سیره با عصر معصوم (ع) بیان شده بود را برگزید که می‌بایست در آن پنج شرط احراز شود. شرط اول بیان شد، اما باید چهار شرط دیگر را هم فراهم کنیم.

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که متشرعین با اخبار ثقاتی که مفید اطمینان شخصی نبود چگونه برخورد می‌کردند؟ در اینجا دو احتمال وجود دارد:

اول: یا اینکه به این اخبار عمل می‌نمودند و از راه این اخبار، احکام مورد ابتلای خود را دریافت می‌کردند.

دوم: یا اینکه به این اخبار عمل نکرده و آنها را به کناری می‌نهادند.

در صورت اول؛ یعنی عمل به اخبار آحاد، دو احتمال برای علت عمل آنها به اخبار آحاد مطرح است:

یا از معصوم (ع) آموخته بودند که باید به اخبار آحاد و ثقات عمل نمود یا آنکه عمل آنها به این اخبار، به دلیل تبعیت از طبع عقلائیه خودشان بوده است.

در هر دو صورت مذکور، مطلوبی که ما به دنبال آنیم؛ یعنی سیره‌ای که از زمان معصوم (ع) تا به امروز امتداد داشته و بر حجیت خبر واحد ثقه منعقد شده است، اثبات می‌شود و فرقی نمی‌کند که عمل آنها به خبر واحد، ناشی از تعلیم معصوم (ع) باشد یا بر اساس سنجیه فطری آنها شکل گرفته باشد.

اما در فرض دوم که عبارت بود از اینکه آنها به اخبار غیر مفید اطمینان عمل نمی‌کردند و این اخبار از سوی آنان مورد اعراض بوده است، باید به این نکته توجه کنیم که به هیچ عنوان نمی‌توان پذیرفت که طرح و کنار نهادن این اخبار از سوی متشرعه بدون استعلام از ناحیه معصوم (ع) صورت گرفته باشد؛ یعنی نمی‌توانیم احتمال بدهیم که متشرعه، دست از عمل به اخبار آحاد کشیده باشند بدون آنکه درباره حکم این اخبار از معصوم (ع) استعلام کرده باشند و حتماً باید حکم این اخبار را از معصوم (ع) پرسیده باشند و معصوم (ع) آنها را رد و منع کرده باشد تا آنها دست از این اخبار بکشند. علت آن این است که طرح این اخبار که اخبار ثقات محسوب می‌شود، بر خلاف طبع عقلائیه آنهاست؛ چون طبیعت عقلائیه آنها این گرایش را در آنها ایجاد می‌کند که به این اخبار عمل کنند؛ پس حتماً برای کنار گذاشتن این روایات، نیاز به استعلام از ناحیه معصوم (ع) دارند. این هم عبارت است از شرط دوم از شرایط پنجگانه‌ای که در راه سوم، بدان نیاز داشتیم.



شرط ۱: وجود بسیاری از اخبار ثقات محل ابتلا، در دست متشرعین معاصر ائمه (ع). شرط ۲: متشرعین یا به این روایات عمل می‌کردند یا خیر؛ در صورت اول، عمل آنها یا بر اساس تعلیم از ائمه (ع) بوده یا تبعیت از فطرت درونی و عقلانی؛ در هر دو صورت، حجیت خبر واحد ثقه ثابت می‌شود. اما در صورت دوم، ممکن نیست که عمل نکردن آنها بدون استعلام از شارع بوده باشد. شرط ۳ و ۴ و ۵ در درس بعدی می‌آید. شرط ۴:	راه ۱: حاکی بودن سیره از نکات فطری و سلیقه نوعی مشترک در میان تمام عقلاء و تمام زمانها. راه ۲: نقل تاریخی. راه ۳: عدم قیام سیره در عصر معصوم (ع) دارای لازمی باشد که وجدانا منتفی است. این راه نیاز به احراز ۵ شرط دارد: راه ۴: قیاس استثنائی راه ۵: ملاحظه تحلیلی وجدانی	اثبات معاصرت یک سیره با عصر معصوم (ع)
---	--	--

### تطبیق

فَإِذَا أَنْ يَكُونُوا قَدْ انْعَقَدَتْ سِيرَتُهُمْ عَلَى الْعَمَلِ بِهَا مِنْ أَجْلِ تَلَقُّي ذَلِكَ مِنَ الشَّارِعِ، أَوْ جَرِيًّا<sup>۱</sup> عَلَى سَجِيَّتِهِمْ<sup>۲</sup>،  
 یا اینکه متشرعین به گونه‌ای بودند که سیره آنها بر عمل به اخبار ثقات منعقد شده بود؛ حال یا به خاطر آن که عمل  
 به اخبار ثقات را از شارع آموخته و دریافت کرده بودند یا اینکه عمل آنها به اخبار آحاد، به خاطر مشی بر طبق  
 فطرت عقلانی آنها بود (سجیه، همان خوی و خصلتی است که بر طبق فطرت باشد).  
 وَإِذَا أَنْ يَكُونُوا قَدْ تَوَقَّفُوا عَنِ الْعَمَلِ بِهَا.

و یا اینکه متشرعین از عمل به اخبار ثقات متوقف شده بودند (و به اخبار ثقات عمل نمی‌کردند).  
 وَالْأَوَّلُ هُوَ الْمَطْلُوبُ، إِذْ تَثْبِيتُ بِذَلِكَ السَّيْرَةِ الْمَمْتَدَّةِ فِي تَطْبِيقِهَا<sup>۳</sup> إِلَى الْمَجَالِ الشَّرْعِيِّ<sup>۴</sup>.  
 اما فرض نخست (که سیره آنها بر عمل به اخبار ثقات به یکی از آن دو دلیل منعقد شده باشد) همان مطلوب  
 ماست؛ چون به وسیله آن، سیره‌ای که امتداد یافته، در تطبیقش به مجال شرعی ثابت می‌شود<sup>۱</sup>.

۱. معطوف علیه: من اجله.

۲. یعنی: متشرعین.

۳. مرجع ضمیر: سیره.

۴. متعلق: ممتداً.

وَأَمَّا الثَّانِي فَلَيْسَ مِنَ الْمَحْتَمَلِ أَنْ يُؤَدَّى تَوْقُّفُهُمْ إِلَى<sup>۲</sup> طَرَحِ تِلْكَ الرِّوَايَاتِ جَمِيعاً بِدُونِ اسْتِعْلَامِ الْحُكْمِ الشَّرْعِيِّ تَجَاهُهَا<sup>۱</sup>؛  
 اما حالت دوم (که در آن، فرض توقف از اخبار ثقات مطرح شد) پس هیچ احتمال داده نمی‌شود که توقف  
 متشرعین، منجر به طرح همه آن روایات شود بدون آنکه حکم شرعی را در قبال این روایات استعمال کنند.  
 لأنَّ ارتكاز الاعتماد على أخبار الثقات وكون طرح خبر الثقة على خلاف السجية العقلية يحول<sup>۴</sup> عادةً دون<sup>۵</sup> التوافق  
 على الطرح بلا استعمال.

چون ارتکاز عقلانی اعتماد بر اخبار ثقات و اینکه طرح خبر ثقه بر خلاف سجیه عقلانیه است، معمولاً مانع از  
 توافق متشرعین بر طرح آن اخبار بدون استعمال از معصوم (ع) می‌شود.

SCO۳ : ۴۴:۲۶

<sup>۱</sup> یعنی از زمان ما تا زمان معصوم (ع) امتداد یافته باشد و در آن زمان هم در امور شرعی به این سیره عمل شده باشد؛ نه اینکه عمل به آن، محصور  
 در اغراض متشرعین بوده باشد که در اینجا از همین قبیل است و در فرض اول، همین اتفاق افتاده است؛ یعنی اثبات شده است که آنان در احکام  
 شرعی خود و در حوزه شریعت، به اخبار ثقات اعتماد می‌نموده‌اند. پس سیره عمل به خبر ثقه، در تطبیق خود به مجال شرعی، امتداد یافته است.  
<sup>۲</sup> متعلق: يؤدي.

<sup>۳</sup> مرجع ضمیر: حکم شرعی.

<sup>۴</sup> مرجع ضمیر: ارتکاز و کون.

<sup>۵</sup> متعلق: يحول.

## چکیده

۱. بعد از ادله‌ای که از آیات قرآن بر حجیت خبر واحد اقامه شد، نوبت به ادله سنت رسید. گفته شد ادله سنت می‌بایست از طرق احراز وجدانی ثابت گردد، نه از راه خبر واحد؛ چون در غیر این صورت، دور لازم می‌آید.
۲. راه‌های احراز وجدانی که می‌تواند سنت را اثبات نماید، دو مورد است: یکی، تواتر و دیگری، سیره.
۳. تقریب استدلال به تواتر این است که می‌توان حجیت خبر واحد را از السنه روایات بسیاری که مضامین این روایات مختلف است؛ یعنی برخی عدالت و برخی امامی‌بودن و برخی ثقه‌بودن و... را شرط حجیت خبر واحد دانسته‌اند، اما با این حال، در تمام اینها یک مدلول مشترک وجود دارد، به دست آورد. بر همین اساس تواتر اجمالی؛ یعنی حجیت خبر واحد تمام این شروط حاصل می‌شود. حال اگر چنین خبری که دارای تمام شروط است، بر حجیت خبر واحد فاقد برخی از این شروط دلالت کند، مثلاً بگوید خبر واحد ثقه حجت است، در این صورت، حجیت خبر واحد در دایره وسیع‌تری ثابت می‌شود.
۴. در راه دوم احراز وجدانی، حجیت خبر واحد؛ یعنی سیره، ابتدا می‌بایست معاصرت این سیره را با عصر معصوم (ع) اثبات نمود. برای این منظور، شهید صدر راه سوم از طرق پنج‌گانه‌ای که برای اثبات معاصرت سیره با عصر معصوم (ع) بیان شده بود را برمی‌گزیند.
۵. برای اثبات معاصرت سیره با عصر معصوم (ع) به وسیله طریق سوم می‌بایست پنج شرط را احراز کرد: شرط اول این بود که بسیاری از اخبار ثقات در دست متشرعین معاصر ائمه (ع) که محل ابتلای آنها هم بود، وجود داشت. شرط دوم اینکه متشرعین یا به این روایات عمل می‌کردند یا خیر؛ در صورت اول، عمل آنها یا بر اساس تعلیم از ائمه (ع) بوده یا تبعیت از فطرت درونی و عقلانی؛ در هر دو صورت، مطلوبی که ما به دنبال آنیم، اثبات می‌شود؛ یعنی سیره‌ای از زمان معصوم (ع) تا به امروز امتداد داشته است که بر حجیت خبر واحد ثقه منعقد شده است. اما در صورت دوم، ممکن نیست که عمل نکردن آنها بدون استعمال از شارع بوده باشد.